

بالاخره حقوق بیکاری که رسیدگی آن در دست بپهده وزارت کار گذاشته شده بسیار ناچیز است و باید این قسمت نیز برمیم گردد .  
 این بود خلاصه انتقاداتی که بنظر نگارنده بقانون مزبور میرسد و امید است هر چه زودتر قانون مزبور اصلاح شده تا دم موثری در یکی از رشته های تامین اجتماعی برداشته بشود .  
 مطلب اساسی دیگری که باید مورد توجه اولیای محترم امور قرار گیرد توسعه و تعمیم توانین تامین اجتماعی و بیمه های عمومی است چه امروز کلیه افراد این کشور که بانروی بازو یا دماغ خود کلامی کنند و يك اکثریت ۵۰ درصد طبقات مختلف این مملکت را تشکیل میدهند فائده رگوه تامین و بیمه بوده و در بیم و امید فردا زندگی میکنند و بسیار بجاست که دولت با استفاده و کمک از افکار عمومی و سازمانهای ملی عملا وارد رفع این نقایص شده و بمنظور تامین اجتماعی و بیمه های اجباری عمومی تصمیماتی عاجل اتخاذ نماید .

### ابوالفضل لسانی

## مجازات اعدام

ارسطو فیلسوف معروف یونانی معتقد است که : **انسان حیوانی فلسفه وضع مجازات است اجتماعی و طبیعتا میل دارد با اجتماع زندگی کند .** علمای علم اجتماع نیز عقیده ارسطو را بسندیده و معتقدند

که انسان مدنی بالطبع است . *شوش کاغذ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
 با مسلم شدن اجتماعی بودن نوع بشر ناچار افراد انسانی برای ادامه زندگی باید بهالت اجتماع بسر برند . وقتی اجتماع بوجود آمد و جامعه تشکیل شد قهری است که در کلیه شؤون زندگی منافع افراد بشر بایکدیگر اصطکاک پیدا خواهد کرد . همین اصطکاک منافع است که صفت زندگی اجتماعی را بپدیدان مبارزه مبدل میسازد .

« اسپنسر » فیلسوف شهیر انگلیسی صحنه زندگی را میدان تنازع بقاع نام نهاد و حتی معتقد است که : **تمام قوانین و مقررات بشری روی اصل تنازع بقاع وضع و مقرر شده است .** با احرار اصل تنازع بقاع هر فردی از افراد اجتماع احتیاج بدفاع و محافظت از جان خود دارد و این احتیاج بجایی میرسد که جز عفراتز طبیعی بشری میگردد بطوریکه انسان بدون اراده بدفاع و محافظت از خود و بستگانش میردازد .

تشکیل اجتماع بدوا از تشکیل خانواده ها شروع شد و علاوه از آنکه هر يك از افراد عهده دار دفاع از خود بودند تمام اعضاء خانواده بطور تعاون مکلف بدفاع از یکدیگر نیز بوده اند ولی قدرت در دست رئیس خانواده بود . چه از جهت حمایت افراد خانواده و انعام کشیدن و چه از نظر حده و هجوم .

بدریج خانواده‌های کوچک و ضعیف در خانواده‌های بزرگ ممتزج شده و از چندین خانواده به تیره بوجود آمد و قبائل نیز در طول زمان یکی در دیگری مضمحل و از اجزای دولت تشکیل شد و نتیجه تشکیل دولت بدانجا رسید که حیثیت افراد و حق انتقام از دست روسای خانواده و قبائل خارج و بدست قوه مرکزی که همان دولت باشد افتاد .  
 دولتها برای حفظ روابط حقوقی و همچنین حیثیت جان و محافظت نوامیس مردم قواعد و مقرراتی وضع نموده‌اند که بدانوسیله نظام اجتماعی را محفوظ و افراد و اشخاص در حمایت توانین با آسایش خیال بسر برند .

قوانین و نظامات مقررہ باصطلاح امروز مشتمل بر دو قسمت بود : قوانین مدنی قوانین کیفری : البته این قوانین مجزای از یکدیگر و تحت فصول و قواعد مقررہ امروز نبود ولی با مقتصر توجه بشوئی هر یک از این دو قسم از یکدیگر قابل تشخیص و تفکیک بود .

قوانین حقوقی مولود پیدایش حق مالکیت میباشد و تاریخ مدون نشان میدهد که حق مالکیت یعنی اختصاص اموال و املاک بشخص و یا اشخاص معین در جامعه بشری جدید است و بنابراین قوانین حقوقی

### قوانین کیفری

نیز بنیتمت ایجاد شدن این حق جدید و تازه میباشد و قوانینی که قدیم وضع آنها معاصر باشکلی اولین اجتماع که خانواده بود میباشد قوانین کیفری است .  
 تحت درباب پیدایش حق مالکیت در این میحت موردی ندارد ولی چون اشاره ای شد ناچار از ذکر مبانی و مأخذ تاریخی میباشد .

تاریخ تمدن قدیم رم حاکی است که علاقه بلك خانواده در مرتبه اول فقط به بنهای خانواده و باآتشکده‌های خانوادگی بود که بت هر خانواده و باآتشکده اختصاص بآن خانواده داشت و هیچ بلك از خانواده‌های دیگر حق نداشتند آن بت و باآتشکده را تصرف نموده و بخود اختصاص دهند و بعد از مدتی قبرستانهای هر خانواده هم مختص بآن خانواده شد و غیر از بت و آتشکده و قبرستان اراضی و املاک و مسکن هیچ نوع اختصاص بافراد و اشخاص نداشت و بالاخره مالکیت در بین بشر موجود نبود و پس از گذشتن قرن های عده به بتدریج حق مالکیت در مسکن و حق اولویت در مزارع و مراتع پیدا شد و ناچار نظاماتی هم رای حفظ حقوق مقررہ وضع گردید ولی حفظ جان و نوامیس عمومی و رعایت اخلاق اجتماعی مورد نظر خاص بوده و متغلفین بکیفرهای سخت میرسیدند و بدین جهت است که قوانین کیفری تاریخاً مقدم بر قوانین مدنی است .

دنیائی که ما در آن بسر میبریم که نسل تر از آنست که خیال میکنیم . تاریخ مدون و موجود برای تحقیق و تنبیح و بدست آوردن ریشه های قوانین و عادات و

### پیدایش مجازات اعدام

اخلاق بشری بسیار ناچیز است و هیچیک از کذب تاریخ و آثار موجوده بیش از ده قرن قبل از میلاد را معرفی نمی کند ولی حفاری ها و کاوش در سر زمین های دول مغربیه و بدایش الواح و حجاری ها بشر امروز را کم و بیش بزرگکنای از چهار هزار سال الی شش هزار سال قبل آشنا نمود .

« فرانسوا شامبولیون » مورخ معروف ابداء دولت مصر را در حدود ۵۸۶۹ قبل از میلاد میدانند و عده دیگر از مورخین تشکیل دولت مصر را بیش از ۳۶۰۰ قرن قبل از میلاد میدانند . همچنین تمدن قدیم بابل را ۳۵۰۰ قرن قبل از میلاد مسیح می‌دانند ولی در هیچیک از حفاریات از قوانین مقررہ ای که در تمدن های قدیم و اعصار آن پادشاهان حکومت میکردند استنادی بدست نیامده

تابنوان آن اسناد را مبداء تحقیقات درباب قوانین کیفری قرارداد و قدیمیترین اثر مکتوبی که بدست آمده است الواح حموری است .

## حموری و قوانین مقررہ

### از طرف او

در حفريات شوش الواح بدست آمده که فعلاً درموزه لودر پاريس است و محققين معتقدند که این الواح با واد در شهر (سبب باز) که یکی از شهرهای (اکد) بود بدست یکی از فراعين عیلام افتاد و آن فراعن الواح را مانند غنیمت جنگی بشوش برد و قسمتی از این الواح که بدست آمده ۲۸۲ فرمول باه طلاح کنونی ۲۸۲ ماده می باشد .

حموری بزرگترین پادشاهان سلسله خود بود که از ۲۱۲۳ الی ۲۰۸۰ قبل از میلاد یعنی از ۴۰۶۶ تا ۴۰۳۳ ۳ سال قبل سلطنت کرد .

حموری در مدت ۳ سال سلطنت خود قوانین و مقرراتی وضع نموده که الواح مکشوفه از قسمتی از آن قوانین و مقررات حکایت می کند و این قدیمیترین قوانینی است که تاریخ بشر یاد دارد .

مرحوم بیرنیا در جداول تاریخ ایران باستان در باب ریشه این قوانین و اهمیت آن چنین می نگارد :

« راست است که پایه قوانین حموری بر قوانین قدیمتری است که از زمان سومریها وجود داشت ولی عیناً از این قوانین مدونی بدست نیامده . اهمیت قوانین حموری فقط از قدمت آن نیست بلکه بیشتر از این حیث است که حاکی از تمدن عالی بابل در چهار هزار سال قبل می باشد . . . . .  
علاهی فن از غور و مداخله در قوانین حموری باین نتیجه می رسند :

قوانین مزبور به نتیجه زندگانی ملتی است که در مدت قرون عدیده در ترقی و تکامل بوده و حتی بعضی جاهای آن موافق افکار ملل کنونی می باشد .  
شایان توجه است که حقوق زن نسبت به و االش موافق قوانین حموری بقدری است که حتی بعضی ملل کنونی اروپا هم آن حقوق را بزین ندادند . »

اهمیت و زبای قوانین حموری در مسائل مدنی مورد بحث ما نیست و فقط از نظر کیفری و مقرر داشتن مجازات اعدام مورد نظر قرار داده می شود که برای اولین مرتبه در آن نامردون موجود بشری اعدام دیده می شود .

در باب کیفر و مجازات در الزام حموری اصلی مشاهده می شود که ترقی و تمدن عالی آن روز را نشان می دهد و آن اصل منع از انتقام کشیدن میباشد . چه آنکه مسلماً در بشر اعصار اولیه انتقامجویی اصل اساسی بوده ولی حموری انتقام را ممنوع داشته و مجتنی علیه و باستانگان او را مکلف بداد خواهی نموده است و بدینوسیله قضاوت اشخاص را از بین برده و قدرت را بدست مجاکم منصور با از طرف حکومت و دولت داده است و این عمل نشان می دهد که در ۴ هزار سال قبل در بابل به تمدن آن روز دنیا تا چه حد عداوت و داد بروری حکومت میکردند .

قوانین حموری با مذهب و قواعد اخلاقی سروکار نداشته و از این حیث با قوانین سایر ملل مشرق زمین تفاوت فاحش دارد .

در قوانین جمهوری برای مقصرین مجازات مقرر گردیده است که باعث خسارت افراد و ضرر بجامعه میشوند. پایه مجازات های جمهوری اساسا بر قصاص است. اگر شریعت موسی و قوانین مقرر در تورات بعدا وجود نمی آید. اگر توحش و بربریت دوره قرون وسطی و اعمال انواع شکنجه ها پیدا نمی شد ممکن بود تصور رود که قوانین جمهوری بر اساس تشدید مجازات و شدت عمل نسبت به متخلفین استوار گردیده است. ولی احکام موضوعه در تورات که در این باب بعدا بحث خواهد شد نشان داد که قوانین جمهوری نسبتا بر پایه ارفاق بوده است و اشکال عمده ای که بر قوانین جمهوری است همان اشکال قراردادن مجازاتها بر پایه قصاص است و روی این اصل است که مقرر می دارد:

«چشم در ازای چشم • دندان در ازای دندان • جان به عوض جان»

این قاعده در الواح جمهوری همان مسلسل است که میگوید:

« بنده نافرمان را گوش میبندند و اولاد جسور را زبان • دایه مقصر

را پستان • جراح غیر ماهر را دست »

دوباره دزد مجازات شدید مقرر میدارد و میگوید: مجازات دزد اعدام است. امروز که تمس بر مرحله کنونی رسیده عواطف و احساسات بشری بعدی تکامل پیدا کرده که عمده زیادی از علماء و فلاسفه معتقد به حذف کلیه مجازاتها مخصوصا اعدام می باشند ولی در چند هزار سال قبل که هنوز خشونت و سختی اولیه وجود داشته و احساسات بآن مرحله نرسیده بود که بجای مجازات مکتب جدید که معالجه مجرمین باشد پیدا شده و در فکر اصلاح مجرمین بیفتند وضع قوانین بر پایه قصاص و حتی تعیین مجازات اعدام برای دزد نباید عجب بنظر برسد. مخصوصا وقتی که دیده می شود انتقام کشیدن ممنوع شده و دادن کیفر احتیاج به درخواست و اثبات داشته است.

در قوانین جمهوری در مطلب اساسی دیگر موجود است.

۱ - معاکمات قبل از جمهوری در دست کاهنان معابد بوده و لسی در قوانین

جمهوری قضات پادشاهی رسیدگی میکردند و محکمه بابل دیوان عالی بود و محاکمه نهائی از حقوق پادشاه

۲ - حق عفو و بخشش مجرمین به پادشاه داده شده است. میزان عفو و بخشش در الواح مکتوفه معلوم نیست ولی مسلما عفو و بخشش بیزارانی بوده است که موثر در درس نوشت مقصر قرار میگرفت و البته وضع مجازاتهای سخت مستلزم سختگیری دیگر که ازوم شکایت متضرر و همچنین ایجاد مقر و راه حل برای تخفیف مجازات و با عفو بوده است که این دو نکته در قوانین جمهوری پیش بینی شده و در زمان سلطنت سلسله هخامنشیان این دو اصل در ایران بر مرحله کمال خود رسیده که در مقاله مربوطه شرح داده خواهد شد.

بامراتب ذکر شده معلوم می شود که اولین اثر مدون موجود بشری در باب تعیین کیفر و مقرر داشتن مجازات اعدام قوانین جمهوری است که بر الواح نقل شده و در خرابه های شوش در موقع حفاری دست آمده و اینک الواح مزبور در موزه لوور پاریس است.